

ترجمه ای دیگر از قرآن کریم



مسعود انصاری

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اللهم إني أسألك بكل اسم هو لك، سميت به نفسك، أو أنزلته في كتابك، أو علمته أحداً من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك، أن تجعل القرآن العظيم ربيع قلبي و نور صدري و ذهاب حزني و جلاء همي و غمي .

خداوندا تو را سپاس می گویم که در عصر بحران معنویت، چراغ پرفروغ قرآن کریم را فرا راهمان افروختی تا برای گذر از راه های پیچ در پیچ و ظلمانی فلسفه های انسانی از آن کسب نور کنیم .

بر همه پیامبرانت به ویژه آن :

گوهر درج کرامت، اختر برج کمال

آفتاب اوج حشمت سایه لطف اله

محمد مصطفی ﷺ درود بی پایان می فرستم.

در ترجمه قرآن کریم، به هر زبانی باید به دو موضوع ضرورت و حساسیت، نظر داشت. اقتضای ویژگی جهان شمولی آخرین آیین الهی است که همه مردمان جهان در زمره مخاطبان وحی محمدی قرار گیرند.

چنانکه خداوند متعال در آیات بسیاری این حقیقت را تأکید کرده است و می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ (سبأ/۳۴/۲۸) و تو را جز مژده آور و هشدار دهنده برای همگی مردم نفرستاده ایم؛ ولی بیشترین مردم نمی دانند.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (اعراف/۷/۱۵۸)

بگو: ای مردم، من پیامبر الهی به سوی همه شما هستم.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان/۲۵/۱)

بزرگ کسی که فرقان را بر بنده اش نازل کرد تا هشدار دهنده جهانیان باشد.

حکم این آیات و دیگر آیاتی که از چنین مضمونی برخوردارند، زمانی تحقق می یابد که همه مردم جهان اعم از مسلمان یا کافر بتوانند از مضمون دعوت قرآن کریم آگاه شوند تا گروه نخست هر چه افزون تر از فیوضات آن در اعتقاد و عمل برخوردار شوند و بر گروه دیگر حجت تمام گردد.

برای برآورده شدن چنین هدفی دور راه وجود دارد، نخست آنکه همگان زبان عربی را فرا گیرند و شخصاً به قرآن کریم رجوع و معانی آن را فهم کنند. چنین امری به دلایلی که بر خواهیم شمرد تقریباً ناممکن و محال است چرا که حتی همگان برای آموزش زبان مادری خویش از استعدادی برابر برخوردار نیستند تا چه رسد به فراگیری زبانی بیگانه و سراسر قانونمند، چون زبان برگزیده الهی (عربی). چنانکه در عمل می بینیم اندک شماری از مردمان هر قومی توفیق می یابند در مباحث ادبی و زبانی خویش خیره و صاحب نظر باشند.

دیگر آنکه برای فهم درست مفاهیم قرآنی (دست کم برای غیر عربها) اطلاع کامل از ادبیات عرب ضروری است. که تلاشی شبانه روزی می طلبد تا بتوان به حداقل پیش نیازهای لازم برای فهم معانی قرآن نایل آمد. اگر به فرض محال همه امت اسلامی هم خود را به این مهم مشغول دارند، آثار فردی و اجتماعی مطلوبی نخواهد داشت، اگر چه ضروری است نظام آموزشی کشورهای اسلامی چنان ترتیب یابد که دانش آموزان و

دانشجویان بتوانند در کنار دروس تخصصی، معارف دینی را نیز فراگیرند.

امروزه خبرگان امت اسلامی به رغم اختلاف نظر درباره شیوه ترجمه قرآن کریم به زبانهای رایج دنیا، در اصل ضرورت آن هیچ تردیدی ندارند و برای رساندن پیام الهی به مردمان جهان آن را امری گریز ناپذیر می دانند.

گذشته از ضرورت پیش گفته، حساسیت ترجمه متن مقدس را نیز نباید از نظر دور داشت. از آغازین روزهایی که مسلمانان سرزمین هنر پرور و گنج خیز ما به ترجمه قرآن کریم پرداختند تا شروع عصر نهضت ترجمه به نثر معیار، همواره شاهد ترجمه هایی تحت اللفظی بوده ایم. برخی این امر را نتیجه روشمند نبودن کار ترجمه می دانند، اما از دیدگاه بنده، ملتی که گنجینه ای از مترقی ترین متون نظم و نثر را در اختیار دارد، نمی تواند تنها به علت روشمند نبودن به ترجمه تحت اللفظی روی آورده باشد. آن هم با وجودی که متون ترجمه شده قرآنی و غیر قرآنی دیگر در دسترس هست که چندان هم تحت اللفظی نیستند (ترجمه تفسیر طبری، سیره ابن هشام، کلیله و دمنه، احیاء علوم الدین و ...) از همه گذشته ترجمه خیلی از مباحث فلسفه یونان، بسیار هم روشمند و مطلوب صورت پذیرفته است. پس به این نتیجه می رسیم که حساسیت و مخاطره آمیز بودن کار قرآن، مترجمان را ناگزیر ساخته است که این چنین دست به عصا پیش روند.

خروج از دایره مفهوم آیات، افزود و کاست کامل معانی، در تعارض قرار گرفتن ترجمه با اغراض آیات و در نهایت تحریف معانی و مفاهیم، از جمله مخاطراتی هستند که مترجم بدون لطف و عنایت الهی و دقت نظر بسیار و هم فکری با دیگر متخصصان از آن مصون نمی ماند.

از دیگر مخاطراتی هم که ضرورت ترجمه قرآن کریم از سوی متخصصان مؤمن و متعهد را دو چندان می کند و برمسئولیت آنان می افزاید، آن است که دوستان ناآگاه و دشمنان صلیبی و صهیونی که از تحریف متن مقدس نا امیداند، آگاهانه چشم به تحریف معانی آن دوخته اند که اگر توفیق یابند، تأثیر سوء آن بر مکتب و دعوت اسلامی محرز و بی نیاز از بیان است.

به رغم این ضرورت و حساسیت، باید دانست که قلم خاکیان در برابر روح افلاکی و قدسی کلام حق، عاجز و ناتوان است. اگر لطف و عنایت الهی نمی بود بارها در میانه راه،

این ناچیز تصمیم می گرفت که دست از قلم بکشد. آری «چه مقیاس ذره را با عین خورشید».

تا اینکه لطف حق یار شد و کار این ترجمه به پایان آمد و پس از آن چندین و چند بار، به ویرایش فنی و محتوایی آن پرداختم و در نهایت از نگاه نقّادانی استاد مسلم مباحث قرآنی جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی گذشت و در نهایت به نشر محترم فرزانه روز سپرده شد که امیدوارم تا آغاز ماه مبارک رمضان چاپ و صحافی آن پایان پذیرد. تا چه در نظر آید.

این حقیر به لطف پروردگار حدود ده سال است که پژوهشهای قرآنی را به طور عام و ترجمه قرآن کریم را به طور خاص، به صورت جدّی و شبانه روزی دنبال می کنم و افزون بر چندین مقاله انتقادی درباره ترجمه های موجود (با رعایت روح انصاف و ادب) و دیگر مباحث قرآنی، توفیق یافته ام به ویرایش فنی ترجمه ارزشمند محدث دهلوی اقدام ورزم و چندین هزار اغلاط نوشتاری آن را اصلاح کنم که حاصل تلاش بنده حروفچینی شده و آماده نشر است.

نیز بخت یارم بوده که ترجمه استوار و متقن جناب آقای خرمشاهی را دو بار ویرایش کرده و از این رهگذر اگر اندک خدمتی هم از دستم برآمده باشد، نکته های بسیار را نیز اندوختم.

از دیگر رویدادهای قرآنی سالیان اخیر، ترجمه قابل توجه و مفید استاد فولادوند و همکاران ویراستارشان است که توفیق یافتم سراسر آن ترجمه را به دقت از نظر بگذرانم و بررسی کنم و حاصل کار و ویرایش خود را به ناشر طرف قرار داد خویش بسپارم که متأسفانه به علت اختلاف بین ناشران، نقد و نظر من قربانی شد و هرگز سرنوشتی نیافت.

در نهایت به اجمال و فهرست وار ویژگی های اساسی ترجمه خویش، از متن مقدّس قرآن کریم را برمی شمارم.

۱. در فهم معانی دقیق آیات قرآن کریم، به نظرگاه های تفسیری نخستین مخاطبان وحی الهی عنایت خاص داشته ام. اگر چه دست یافتن به روایات تفسیری عصر آغازین اسلام به علت ورود اسرائیلیات و موضوعات، چندان آسان نیست اما با تلاش های پی گیر و روشمند عالمان دین در یک هزار و چند صد ساله تاریخ اسلام، این مشکل تا اندازه ای حل شده و می توان با نقد و بررسی دقیق متن و سند

روایات، به صحّت و سقم آنها پی برد.

۲. از مراجعه به تفاسیر روایی و درایی از ابن عباس تا وهبة الزحیلی هیچ دریغ نورزیده‌ام و کثرت رجوع، پیشه همیشگی این حقیر بوده و هست.

۳. بارزترین ویژگی ترجمه بنده پایبندی به نحو قرآنی است، با وقوف بر این حقیقت بسیار مهمّ که نحو از معارفی است که در دامن فرهنگ اسلامی زاده و رشد کرده و در کیان چنین گسترده‌اش و امدار قرآن کریم است. در نتیجه نمی‌توان مباحث نحوی را معیار تردید ناپذیر قرار داد و متن مقدّس را براساس آن ترجمه کرد. دوّم آنکه اختلاف آرای فراوانی در زمینه مباحث نحوی و دیگر موضوعات ادبی و زبانی وجود دارد که طرفداران هر دیدگاه کوشیده‌اند تا شواهد قرآنی را ملاک صحّت دیدگاه خویش قرار دهند. این مجمل به بحث مفصّلی نیاز دارد که از حوصله این مقال بیرون است.

کوتاه سخن اینکه، کهن‌ترین تا جدیدترین متون اعراب قرآن، جزء منابع اساسی بنده در کار این ترجمه بوده است و در حدّ توان خویش از آن بهره برده‌ام. در نتیجه نثر ترجمه بنده، نثر معیار و با آگاهی و اطمینان برای بیان دقیق مفاهیم و معانی قرآنی، اندکی در بند ترکیبات عربی است.

۴. بنده هرگز قرآن کریم را عرصه هنرنمایی ادبی و غیر ادبی نمی‌دانم و آن را روان نیز نمی‌شمارم. از این روی سعی کرده‌ام ترجمه‌ای آرایه دهم که به کار عموم، بیاید و مانند سرورانی چون فولادوند و خرمشاهی از آوردن عبارات نامأنوس و سره‌نویسی پرهیز کرده و دست کم در این ترجمه علاقه‌ای مفرط به عربی یا فارسی‌گرایی ندارم.

۵. در برابر گزینی‌ها، همواره تلاشم بر این بوده که با مراجعه به امّهات منابع لغت عربی (اعم از قرآنی و غیر قرآنی به ویژه لسان العرب ابن منظور) و متون لغت فارسی، به گمان خویش، دقیق‌ترین، زودیاب‌ترین و مأنوس‌ترین معادلها را برای تک واژگان آیات برگزینم.

۶. در مباحثی چون تقدیم و تأخیر، تذکیر و تأنیث، افراد و تشبیه و جمع، استعاره، کنایه، تشبیه، تمثیل، توریه، حقیقت، مجاز، ترتیب مفردات جمله (تقدیم فعل

برفاعل، مضاف بر مضاف الیه، خبر بر مبتدا، حذف جمله ابتدا یا خبر، مفعول مطلق و ...) مختلف عمل کرده ام. در یک نگاه کلی سعی بنده بر آن بوده که غرض موارد پیش گفته را به نحوی برآورده سازم، در عین حال در مواردی ناگزیر بوده ام که مبانی مسلّم فارسی نویسی را نیز شخصاً یا به پیشنهاد ویراستار دانشمند لحاظ دارم و برخی تأکیدات را آگاهانه حذف کرده ام، اما هرگز نخواسته ام معنا را فدای زیبایی ظاهری کنم و آن را روا نیز نمی شمارم.

۷. بنده باور دارم که هیچ بشری نمی تواند تمام اسلوب های عربی آیات را در قالب و چهارچوب زبان دیگری فرو ریزد. زیرا بسیاری از وجوه اعجاز قرآن به ویژه وجه بلاغی و ادبی آن قابل انتقال به هیچ زبانی نیست. از این رو ترجمه بنده نیز ترجمه ای همراه با برخی افزوده های تفسیری است، با این تفاوت که مباحث تفسیری را در گروه [] جای داده ام تا خوانندگان گرامی افزوده های بشری را از ترجمه نصّ مقدّس باز شناسند.

۸. ترجمه قرآن کریم در صفحه مقابل نصّ قرآن کریم (احتمالاً مصحف مدینه) قرار خواهد گرفت و شکل ظاهری چون ترجمه های قرآن آقایان فولادوند و خرمشاهی را خواهد داشت.

در نهایت لازم می دانم از همکاری صمیمانه و دلسوزانه ویراستار این ترجمه، استاد بهاء الدین خرمشاهی، خادم همیشه سرافراز قرآن کریم و مسؤولین و مدیران نشر محترم فرزاد و دیگر یاران قرآن آشنایی که همواره راهنمایم بوده اند، سپاس بگذارم و از خداوند متعال می خواهم به استادانی که همواره به شاگردیشان مفتخرم، در دنیا عزّت عنایت کند و در آخرت رستگارشان سازد.

در پایان سخنی صمیمانه دارم با قرآن پژوهان و راستجویان عرصه تحقیقات قرآنی که: ای برادر، قرآن عرصه سمعه و ریا نیست و قرآنیان را بغض و کینه روا نباشد. در نتیجه نظر به ارشادات بی نظیر شما دوخته ام که هنوز سنی از من نمی گذرد و سی و یک سال بیش ندارم و اگر خداوند مقرر دارد، فرصتی می یابم که بارها این ترجمه را مورد بازبینی و ویرایش دوباره قرار دهم. از این روی عاجزانه تقاضا دارم ایرادهای بنده را به سنّ اندکم نبخشایند و نقد و نظرهای خودشان را به آدرس ناشر ارسال دارند تا هم خود از اجر اخروی برخوردار

شوند و هم من در روز راستین قیامت در پیشگاه معبود یگانه ام خاطری آسوده داشته باشم. خداوندا، آنچه در توان داشتم به کار بستم، از تلاش شبانه روزی هیچ دریغ نکردم، اما کلام معجز تو بود و قلم شکسته من. پس:

اگر شایستگی نبود خدایا در متاع من
به اخلاصِ ضمیر من پذیرا باش و منانش

چند آیه از سوره نوح

به نام خداوند بخشاینده مهربان

به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم [با این پیام] که: قومت را - پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد - هشدار ده. (۱)

[نوح] گفت: ای قوم من، بی گمان من برایتان هشدار دهنده آشکارم (۲)

[با این دعوت] که: خدا را بندگی کنید و از او پروا بدارید و از من فرمان برید (۳)

تا [برخی] از گناهانتان را بیامرزد و [اجل] شما را تا وقتی مقرر باز پس اندازد. اگر بدانید وقت مقرر الهی چون فرا رسد، باز پس داشته نمی شود (۴)

[نوح] گفت: پروردگارا، حقا که من شب و روز قوم خود را [به آیین تو] فرا خواندم (۵)

ولی دعوت من در حق آنان جز گریز نیفزود. (۶)